

ابعاد عشق‌ورزی بر اساس نظریه سه بعدی عشق در چهار گروه زوج‌های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند

کیومرث فرحبخش^۱ - عبدالله شفیع‌آبادی^۲

چکیده

عشق یک فرایند روان‌شناختی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه روان‌شناسان واقع شده است، زیرا یکی از موضوعات مورد توجه در ازدواج است. کپهارت (۱۹۶۵) و اسپرچر (۲۰۰۲) در پژوهش خود دریافتند که عشق یکی از مؤلفه‌های لازم برای ازدواج است. استرنبرگ (۱۹۸۶) از کسانی است که راجع به عشق نظریه پردازی کرده است. وی براساس یک پژوهش دریافت عشق یک حالت روان‌شناختی است که دارای سه بعد صمیمیت، شوریدگی و تصمیم - تعهد است. زندگی زناشویی یک پدیده در حال تحول است و در هر مرحله شرایط خاص دارد. پژوهشگران رضایت از زندگی زناشویی و شادمانی را بررسی کرده و میزان آن را در مراحل مختلف مقایسه کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رضایت، شادمانی و سازگاری زناشویی در ابتدای ازدواج بالاست و در دورانی که بچه‌ها به مدرسه می‌روند کاهش و بعد از آن مجدداً افزایش می‌یابد،

۱- استادیار گروه مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

۲- استاد گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی

به این ترتیب سیر آن به شکل U است. در این پژوهش‌ها سیر تحول عشق‌ورزی بررسی نشده است. هدف این پژوهش که از نوع توصیفی است بررسی میزان عشق و نحوه ترکیب آن در زوجیهایی است که در مراحل مختلف زندگی زناشویی به سر می‌برند. برای انجام این پژوهش ۵۰۰ زوج از پنج منطقه شهر اصفهان که در چهار مرحله نامزدی، عقد، پس از ازدواج و فرزندپروری قرار داشتند و مایل به همکاری بودند به صورت دسترس انتخاب شدند و آزمون عشق‌ورزی به آنان داده شد. نتایج نشان داد که بین میزان عشق‌ورزی در مراحل مختلف زندگی زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد. به علاوه بین جنسیت آزمودنیها و مراحل تحول زندگی زناشویی در عشق‌ورزی تعامل وجود دارد. همچنین مشاهده گردید بین میزان عشق‌ورزی زن و شوهر همبستگی معنادار وجود دارد.

کلید واژه‌ها: عشق، عشق‌ورزی، ابعاد سه گانه عشق.

مقدمه

عشق یک حالت روان‌شناختی است که طی سه دهه اخیر مورد توجه روان‌شناسان اجتماعی واقع شده است و پژوهش‌های علمی در مورد تأثیر آن بر زندگی انسان صورت گرفته است. کپهارت (۱۹۶۷) از هزار دانشجوی مجرد سؤال کرد، آیا حاضرید با کسی ازدواج کنید که تمام خصوصیات مطلوب و مورد نظر شما را داشته باشد، اما عاشق او نباشید؟ ۶۵ درصد مردان و ۲۴ درصد زنان گفتند: هرگز حاضر به ازدواج با چنین شخصی نمی‌باشند وقتی همین سؤال را از مردان و زنانی که فردی را به عنوان نامزد انتخاب کرده بودند پرسیدند، دریافتند که ۸۰ تا ۹۰ درصد حاضر به ازدواج با چنین شخصی نمی‌باشند. اسپرچر و همکارانش (۱۹۹۴ و ۱۹۹۵) نیز همین سؤال را از دانشجویان چند کشور دیگر پرسیدند، پاسخ ۸۶ درصد آمریکایی‌ها و ۸۷ درصد برزیلی‌ها به آن منفی بود. اسپرچر و تورومرن (۲۰۰۲) در پژوهش دیگری مشاهده نمودند از نظر مردان و زنان چینی و آمریکایی و سایر نژادهای دیگر «عشق» برای ازدواج امری لازم و ضروری است. ماس و اسکوبل (۱۹۹۳) عقیده دارند که میزان محبتی که افراد در زندگی خود تجربه می‌کنند بستگی به رشد اجتماعی، سازگاری شخصی و سلامت جسمی دارد و عشق نقش کاربردی در لذت بردن و رضایت از زندگی زناشویی دارد. براون و کاپلند (۱۹۷۷)، لینچ (۱۹۷۷)، تراپمن و همکاران (۱۹۸۲) اظهار می‌دارند که وجود روابط

صمیمی موجب مقاومت در برابر بیماریهای جسمی و اختلالات روانی می‌شود. هورویتز (۱۹۷۹) می‌گوید: شکست در کسب رضایت از روابط عاشقانه با ناراحتی‌های عصبی زیادی که سبب مراجعه سرپایی بسیاری به مراکز درمانی می‌گردد رابطه دارد.

درباره ماهیت روان‌شناختی عشق و ترکیبات آن دیدگاههای گوناگونی ارائه شده است؛ هندریکس (۱۹۹۸) هفت الگوی عشق را شرح می‌دهد. مزلو (۱۹۷۸) ترجمه رضوانی، (۱۳۷۵) عقیده دارد که عشق حاصل ارضای نیازهای متقابل است. تا زمانی که زوجها در کاسه زندگی مشترک خود به‌طور متقابل غسل می‌ریزند، زندگی شیرین خواهد بود. گلاسر (۲۰۰۰ و ۱۹۹۸) عقیده دارد عشق فرایندی است که خود زوجها به وجود می‌آورند. تا زمانی که زوجها هر دو خود را متعهد به ادامه رابطه بدانند و دارای این اعتقاد باشند که عشق چیزی است که خودشان انتخاب کرده‌اند، رابطه عاشقانه ادامه خواهد یافت. وروبی (۲۰۰۱) می‌گوید استرنبرگ از کسانی است که در این زمینه نظریه‌پردازی و پژوهش کرده است. او در سال ۱۹۸۶ پرسشنامه‌ای تهیه کرد و آن را به گروههای مختلف با روابط متفاوت مثل برادران، خواهران، والدین، فرزندان، زنان و شوهران و افرادی که روابط عاشقانه داشتند داد، او مشاهده کرد نوع واکنش، احساس و نگرش افراد در انواع مختلف روابط صمیمانه متفاوت است (رایس، ۱۹۹۷). مثلاً نوع عقاید، احساسات و اشتغالات ذهنی یک مادر نسبت به فرزند یا فرزند نسبت به مادر متفاوت از کنش، احساس و اشتغالات ذهنی یک عاشق و معشوق نسبت به یکدیگر است. در نهایت تحلیل عاملی نتایج نشان داد که عشق یک حالت روان‌شناختی است که دارای سه جزء است: شوریدگی، صمیمیت، تصمیم - تعهد (رایس، ۱۹۹۷).

۱- شوریدگی: عبارت است از احساس جذابیت فیزیکی همراه با کنش فیزیولوژی، جذابیت جنسی و اشتغال ذهنی مثبت نسبت به معشوق. این بعد جنبه انگیزشی دارد و میل شدید همراه با برانگیختگی فیزیولوژی توأم با میل به رابطه جنسی عطوفت‌ورزانه در فرد ایجاد می‌کند.

۲- صمیمیت: عبارت است از احساس محبت و اظهار آن، علاقه، مراقبت، مسئولیت، همدلی و غمخواری نسبت به فردی که او را دوست دارد. صمیمیت جنبه هیجانی و عاطفی دارد و نوعی احساس گرمی، محبت، نزدیکی، مرتبط بودن و در قید و بند طرف مقابل بودن در فرد ایجاد می‌کند.

۳- تصمیم-تعهد: شامل تصمیم‌های خودآگاهانه و غیرخودآگاهانه‌ای می‌شود که فرد برای دوست داشتن دیگری اتخاذ و خود را متعهد به حفظ آن می‌کند. این حالت جنبه شناختی دارد و در بردارنده تصمیم کوتاه‌مدت و بلندمدت برای دوست داشتن و مراقبت متعهدانه از معشوق است. این بعد تصمیم گرفتن برای تعهد داشتن، حفظ و نگهداری معشوق و رابطه طولانی‌مدت با او است (رایس، ۱۹۹۷؛ استرنبرگ، ۱۹۸۶). این جزء شامل تصمیم‌گیری در این باره است که فقط با یک نفر باشد و شریک دیگری برای خود انتخاب نکند و این ارتباط را مهمتر از ارتباط با هر فرد دیگری تلقی کند (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸). این بعد شامل تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت برای دوست داشتن و عاشق کسی شدن است و یک تصمیم‌گیری درازمدت برای تعهد، حفظ و نگهداری عشق است (دویر، ۲۰۰۰).

استرنبرگ و بارنس (۱۹۸۵) عقیده دارند که این اجزاء در همه روابط عاشقانه به‌طور مساوی قرار ندارد. برخی ابعاد ممکن است پررنگ‌تر و برخی کمرنگ‌تر باشد، برخی سریع به وجود می‌آیند و سریع کمرنگ می‌شوند و برخی دیگر کند به‌وجود می‌آیند و پایدارتر هستند، شوریدگی سریع به‌وجود می‌آید و سریع کاهش می‌یابد و کمرنگ می‌شوند، تعهد به تدریج به وجود می‌آید و ثابت می‌ماند، صمیمیت آهسته رشد می‌کند و برای مدتی ثابت می‌ماند. به عقیده او موفقیت در عشق‌ورزی بستگی به توانایی ما در تغییر هماهنگ اجزاء دارد.

از نظر استرنبرگ سه بعد عشق به‌ندرت در فردی به‌طور مساوی جمع می‌شود و میزان وجود هر یک از ابعاد روابط عاشقانه متفاوت است. از نحوه ترکیب سه بعد عشق با همدیگر ۸ حالت یا نوع عشق به وجود می‌آید که عبارت‌اند از:

۱- فقدان عشق: زمانی است که ابعاد سه‌گانه عشق در روابط افراد بسیار کمرنگ است یا اصلاً وجود ندارد، مثل بسیاری از روابط رسمی که افراد مرتبط با همدیگر دارند.

۲- مهر و علاقه: زمانی است که فقط عامل صمیمیت وجود داشته باشد و از دو بعد دیگر خبری نیست یا بسیار کمرنگ است. در این حالت احساس دلسوزی، رفاقت، گرمی، نزدیکی و دیگر هیجانانگیز مثبت وجود دارد، اما احساس شوریدگی به‌خصوص شهوانی بودن و تصمیم - تعهد وجود ندارد.

۳- دل‌باختگی: در این وضعیت یا در این نوع عشق بعد شوریدگی بر روابط افراد یا احساس یک فرد نسبت به دیگری حاکم است، یک حالت شدید شیدایی است که در

آن فرد به شدت و افراطی مجذوب دیگری شده در حالی که خبری از تعهد و صمیمیت واقعی وجود ندارد، وسواس گونه از او شخص ایده‌آلی می‌سازد، در این نوع عشق درجه بالایی از برانگیختگی فیزیولوژی و روانی وجود دارد. این نوع عشق با وصول به معشوق به شدت پایان می‌پذیرد و ممکن است به تنفر تبدیل شود.

۴- عشق تهی: در این نوع عشق فقط بعد تصمیم - تعهد وجود دارد و از سایر ابعاد خبری نیست یا بسیار کم‌رنگ است. این نوع عشق در روابط پایدار که در آن انسانها دارای رابطه عاطفی طولانی متقابل هستند و یا آنقدر با هم مانده‌اند که به همدیگر عادت کرده‌اند و یا به علت ترس از بی‌پناهی و بی‌کسی به وجود می‌آید (استرنبرگ، ۱۹۸۷).

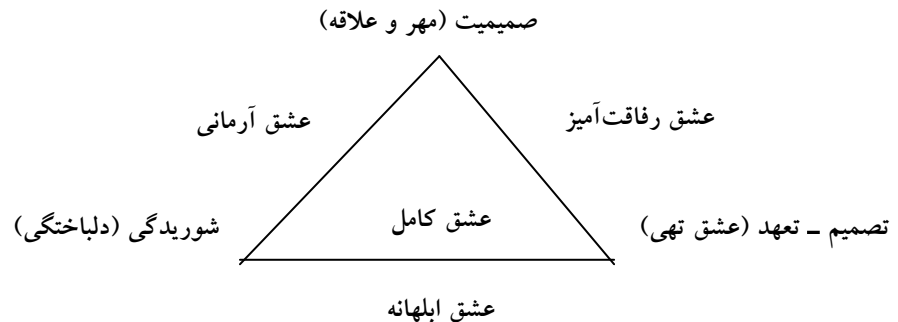
۵- عشق آرمانی: این نوع عشق ترکیبی از صمیمیت و شوریدگی است. عشق براساس جذابیت فیزیکی و عاطفی است (دویر، ۲۰۰۰). نوعی احساس نزدیکی، قرابت و پیوند بین دو زوج است. در این عشق اعتماد بسیار بالایی نسبت به همسر وجود دارد و به لحاظ عاطفی به شدت به او نزدیک است. در این حالت خودافشایی بسیار بالاست و شخص بدون ترس از طرد شدن، عقاید و افکار خود را با همسرش در میان می‌گذارد و زمانی که افکار و احساس خود را برای طرف مقابل ابراز می‌دارد حالت شوریدگی را در اوج خود تجربه خواهد کرد. با این حال به دلیل نداشتن بیش و تعهد، امکان تداوم این عشق اندک است و در صورتی که رابطه به علت ارضای نیازهای زوجین تداوم یابد به مرور زمان تعهد در روابط آنها به وجود آید.

۶- عشق رفاقتی: این نوع عشق ترکیبی از صمیمیت و تعهد است. یک رابطه دوستانه پایدار، طولانی مدت و متعهدانه که همراه با مقدار زیادی صمیمیت است. در این نوع عشق تصمیم بر آن است که همسرش را دوست داشته و به باقی ماندن با او متعهد می‌باشد. این نوع عشق همراه با بهترین روابط دوستانه است که رفتار جنسی در آن نیست یا خیلی کم‌رنگ است و رفتار عطوفت‌ورزانه در آن دیده نمی‌شود. بسیاری از عشق‌های آرمانی که به درازا بکشد و پایدار شود، تبدیل به عشق رفاقت‌آمیز خواهد شد. این نوع عشق بین دو همکار که سالها با همدیگر کار کرده‌اند یا بین یک زوج که دارای فرزندان هستند مشاهده می‌گردد (دویر، ۲۰۰۰).

۷- عشق ابلهانه: این نوع عشق ترکیبی از شوریدگی و تصمیم - تعهد است. آنها صرفاً براساس حالت شوریدگی نسبت به هم متعهد هستند و رابطه صمیمیت و عاطفی عمیق

با همدیگر دارند. این حالت گردبادی از هیجان‌ات است که زود فروکش می‌کند (استرنبرگ، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸؛ دویر، ۲۰۰۰). استرنبرگ می‌گوید در این حالت افراد در نگاه اول عاشق یکدیگر می‌شوند و خیلی زود بدون آنکه همدیگر را بشناسند به داشتن یک رابطه طولانی متعهد می‌گردند. این عشق خیلی شدید و اغلب وسواس گونه است. فرد نمی‌تواند فکر خود را از او رها کند، شدیداً آرزو می‌کند به او نزدیک شود، او را لمس کند و با او در هم آمیزد و با این تخیلات به فرد حالت شوریدگی دست می‌دهد.

۸ - عشق کامل: این عشق ترکیبی از سه حالت صمیمیت، شوریدگی و تعهد - تصمیم است. در این حالت فرد همسر خود را به‌عنوان یک انسان دوست دارد و به او احترام می‌گذارد، به او متعهد است و از طریق برقراری ارتباط درست با او احساس نزدیکی می‌کند، رفتار دوستانه، رفاقت‌آمیز، محبت‌آمیز و مراقبت‌آمیز خواهد داشت. روابط جنسی همراه با تعهد به وفاداری و اوج لذت بدون احساس گناه تجربه می‌شود (استرنبرگ، ۱۹۸۷). خلاصه ابعاد عشق و حالات آن را می‌توان در شکل شماره ۱ مشاهده می‌کرد.



راجع به رابطه سه بعد عشق پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته است. اینگل، اولسن، پاتریک (۲۰۰۲) رابطه بین سه بعد عشق و ویژگی‌های شخصیتی را در ۱۲۶ دانشجوی روان‌شناسی، ۳۶ مرد و ۹۰ زن بررسی کردند. نتایج نشان داد بین برون‌گرایی در مردان با صمیمیت ۰/۳۴ همبستگی وجود دارد. همچنین بین خودآگاهی با صمیمیت، شوریدگی و تعهد در مردان به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۵۳ و ۰/۵۵ همبستگی مثبت و معنادار مشاهده گردید. در حالی که در زنان این همبستگی‌ها بسیار کمتر بوده است. بین میزان روان‌رنجوری زنان و صمیمیت ۰/۲۳- درصد همبستگی معنادار وجود دارد.

بین خودآگاهی در زنان و سه بعد عشق در آنان همبستگی معنادار وجود دارد. به‌طور کلی همبستگی ابعاد عشق با پنج عامل بزرگ شخصیت در مردان بیشتر از زنان است. خانواده یک نظام اجتماعی کوچک است که همواره در حال تحول می‌باشد و دوره‌های مختلفی از تحول را طی می‌کند و در هر مرحله، روابط زوج‌ها با همدیگر، نقش‌ها و روابط والدین و فرزندان حالت خاصی به خود می‌گیرد. پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که رضایت از زندگی زناشویی در آغاز ازدواج بالا است و در زمان تولد فرزندان تا بلوغ آنها کاهش می‌یابد و سپس دوباره افزایش می‌یابد. اندرسون، راسل و چکام (۱۹۸۳)، جانسون، آمولزا و بوت (۱۹۹۲) اظهار می‌دارند شادمانی زناشویی به مرور که روابط قدیمی می‌شود، کاهش می‌یابد. بلسکی و رووین (۱۹۹۰) اسکوم و بوگائیس (۱۹۸۶) در پژوهش‌های خود نشان دادند که نارضایتی زناشویی زمانی افزایش می‌یابد که فرزندان به سن مدرسه رسیده باشند و برخی نیز کاهش رضایت زناشویی را مصادف با دوران بازنشستگی گزارش نموده‌اند.

پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد میزان رضایت و لذت از زندگی زناشویی به‌طور کلی در مراحل مختلف از نظر کمیت و کیفیت متفاوت است. سیر رضایت از زندگی زناشویی از منحنی U شکل تبعیت می‌کند. وایلانته و وایلانته (۱۹۹۳ و ۱۹۹۰) در پژوهش خود با تعدادی از زوج‌ها نشان دادند که آنها از دوران قبل از بچه‌داری خود و بعد از مستقل شدن فرزند در مقایسه با دوره‌های میانی زندگی احساس رضایت بیشتر از زندگی زناشویی داشته‌اند. فرحبخش و علینقیان (۱۳۸۲) در یک پژوهش بر روی نمونه‌ای از زوج‌ها که در مراحل مختلف زناشویی به سر می‌بردند مشاهده کردند که میزان رضایت از زندگی زناشویی در زوج‌هایی که تازه عقد و ازدواج کرده‌اند بالا است و در زوج‌هایی که دارای فرزند هستند و یا فرزندان آنها در مرحله بلوغ هستند مقدار آن کاهش می‌یابد.

این پژوهش‌ها و پژوهش‌های دیگر سیر تحول رضایت از زندگی زناشویی و شادمانی زناشویی را بررسی کرده‌اند، اما سیر تحول عشق و چگونگی ترکیبات آن بررسی نشده است. هدف این پژوهش بررسی وضعیت عشق و ابعاد سه‌گانه آن در چهار گروه زوج‌ها در ایران است. به نظر می‌رسد ابعاد عشق در زن و مرد یکسان نباشد

به‌علاوه حالت آن در زنان و مردان در مراحل مختلف زندگی زناشویی متفاوت باشد. سؤالاتی که در این پژوهش دنبال می‌شود عبارت‌اند از:

۱- آیا میزان عشق‌ورزی و ابعاد مختلف آن در مراحل مختلف زندگی زناشویی متفاوت است؟

۲- آیا بین جنسیت با میزان عشق‌ورزی در چهار دوره مختلف زندگی زناشویی تعامل وجود دارد؟ یا به عبارت دیگر ابعاد عشق‌ورزی در مراحل مختلف زندگی زناشویی در زن و مرد متفاوت است؟

۳- همبستگی بین میزان عشق‌ورزی و ابعاد سه‌گانه آن در زنان و شوهران با همدیگر تا چه اندازه است؟

روش اجرای پژوهش

جامعه آماری در این پژوهش زنان و مردانی هستند که در مرحله نامزدی تا فرزندداری به‌سر می‌برند. یعنی نمونه‌ها از بین کسانی انتخاب می‌شوند که در یکی از چهار مرحله زیر هستند:

۱- کسانی که در مرحله نامزدی به‌سر می‌برند، منظور کسانی هستند که به‌طور رسمی نامزد شده یا با همدیگر به‌طور جدی قرار ازدواج گذاشته‌اند، اما هنوز مراحل رسمی عقد را طی نکرده‌اند.

۲- کسانی که در مرحله عقد به‌سر می‌برند، یعنی به‌طور رسمی عروسی نکرده‌اند و هنوز در خانه پدری خود به‌سر می‌برند، اما قانوناً همسر یکدیگر شده‌اند.

۳- کسانی که عروسی کرده‌اند و در یک خانه به عنوان زن و شوهر زندگی می‌کنند ولی فرزند ندارند.

۴- کسانی که دارای فرزند در سنین مختلف هستند و فرزندان آنها ازدواج نکرده‌اند.

نمونه‌ها از آزمودنیهای در دسترس انتخاب شده‌اند. به این صورت که با کمک ۵ دانشجو که در پنج منطقه شهری اصفهان به‌سر می‌بردند تعداد ۵۰۰ زوجی که مایل به همکاری در این گروهها بودند شناسایی کردند و آزمون سنجش عشق در اختیار آنان قرار گرفت. وضعیت آماری آزمودنیها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- وضعیت آزمودنیهای مورد مطالعه

زنان		مردان		مراحل مختلف تحول
سن	تعداد	سن	تعداد	زناشویی
۲۳/۵۴	۱۲۵	۲۵/۲۸	۱۲۵	نامزدی
۲۳/۸۱	۱۲۵	۲۶/۳۹	۱۲۵	عقد
۲۶/۶۳	۱۲۵	۲۸/۱۸	۱۲۵	ازدواج بدون فرزند
۳۵/۵۷	۱۲۵	۳۸/۲۷	۱۲۵	دوره فرزندپروری

ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش آزمون تشخیص عشق است که استرنبرگ (۱۹۸۹) تهیه کرده است. این آزمون ۴۵ سؤال دارد که هر پانزده سؤال آن یکی از ابعاد عشق را می‌سنجد. استرنبرگ برای به‌دست آوردن روایی آزمون آن را به تعدادی از آزمودنیها داد و از آنها خواست تا به ۴۵ سؤال که مشخصاً به یکی از ابعاد آزمون عشق مربوط می‌شد، پاسخ دهند، سپس همبستگی پاسخ به این سؤالات و نمره آزمون را محاسبه کرد. نتایج نشان داد همبستگی خرده‌مقیاس‌ها به این سؤالات ۲۱ تا ۶۵ درصد بوده است و همبستگی درونی مقیاسها نیز بالا بود. ضریب پایایی برای کل آزمون ۰/۹۰ است (استرنبرگ، ۱۹۹۷). در این آزمون از آزمودنی درخواست می‌گردد شخص مورد علاقه خود را در نظر بگیرد و نام او را در قسمت خالی جمله قرار داده و سپس احساس یا نظر شخصی خود را نسبت به او در یک مقیاس درجه‌بندی شده اظهار نماید. به‌عنوان مثال، وقتی من یاد... می‌افتم احساس می‌کنم قلبم به تپش می‌افتد. آرزو می‌کنم هیچ وقت از... دور نباشم. حاضرم تمام هستی‌ام را به پای... بریزم. آزمودنی میزان موافقت و احساس خود را نسبت به شخصی که نام او را در جای خالی جمله نوشته است در یک مقیاس چهار درجه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم علامت می‌زند. به‌گزینه خیلی کم نمره یک و به‌گزینه خیلی زیاد نمره چهار تعلق می‌گیرد. نمره بالا در این آزمون نشانه علاقه‌مندی و عشق بیشتر نسبت به کسی است که نام او را در قسمت خالی جملات آورده است. لازم به توضیح است که هر آزمودنی در قسمت خالی هر ۴۴ سؤال فقط نام یک نفر را می‌نویسد و چنانچه بخواهد درباره کس دیگری آن را کامل کند دوباره هر ۴۵ سؤال را درباره نفر دوم پاسخ خواهد داد. برای به‌دست آوردن روایی آزمون از روش روایی واگرا استفاده شده است. براساس پژوهش‌های متعدد بین نوع صمیمیت ناشی از عشق و صمیمیت سایر روابط

انسانی از قبیل رابطه والد فرزندی، دوستانه و همکار تفاوت وجود دارد (موس و اسکوبل، ۱۹۹۳) در پژوهش حاضر ابتدا در اختیار ۵۰ دانشجوی مجرد که سن آنها بالای ۲۴ سال بود قرار گرفت و از هر یک از آنها خواسته شد سه دفعه آزمون را تکمیل کنند و هر دفعه یک‌بار مادر، یک‌بار دوست و یک‌بار شخصی را که به‌عنوان همسر آینده خود در نظر گرفته‌اند در جای خالی سؤال قرار دهند. میزان روایی آزمون از طریق مقایسه نمرات آزمودنی‌ها نسبت به مادر، دوست و همسر آینده به دست می‌آید. این نوع روایی بر اساس وجود تفاوت معنادار در پاسخ آزمودنی‌ها به سه فرد مورد نظر محاسبه شده و می‌تواند بیانگر روایی آزمون باشد. اگر نمره‌ای که فرد برای همسر آینده خود در این آزمون به‌دست می‌آورد به‌طور معناداری با نمرات مادر و دوست متفاوت باشد این آزمون توانسته است سازه عشق را اندازه‌گیری نماید. نتایج نشان داد که نوع پاسخ و نمره آزمودنیها در مقیاسهای مختلف در هر مرحله متفاوت بود. میانگین نمرات آنها در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲- میانگین آزمودنیها در پاسخ به آزمون عشق‌ورزی

در مورد سه فردی که با آنها ارتباط نزدیک دارند

صمیمیت	شوریدگی	تصمیم - تعهد	میانگین نمره کل
همسر آینده	۵۲	۴۰	۱۳۷
دوست	۲۰	۴۲	۹۲
مادر	۳۶	۴۰	۱۰۶

نمره شوریدگی و صمیمیت در مورد همسر آینده به‌طور معناداری ($P < ۰/۰۰۱$) بالاتر از دوست و مادر بود و نمره کل به‌طور معناداری ($P < ۰/۰۰۱$) برای همسر آینده بالاتر از دو گروه دیگر بود. این تفاوت روایی این آزمون در پژوهش حاضر تلقی گردید. پایایی برای کل آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ $۰/۸۹$ و برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب $۰/۶۵$ برای صمیمیت، $۰/۵۴$ برای شوریدگی و $۰/۶۶$ برای تصمیم-تعهد به‌دست آمد. پایایی آزمون از طریق آزمون مجدد بر روی ۳۰ نفر از این آزمودنیها $۰/۵۸$ به‌دست آمد. پس از انتخاب آزمودنیها و اجرای پرسشنامه‌ها در بین چهار گروه مورد مطالعه آزمون نمره‌گذاری و نمرات به‌منظور تجزیه و تحلیل در نرم‌افزار آماری SPSS ۱۰/۰۵ درج گردید.

نتایج پژوهش

شاخص‌های آماری میانگین و انحراف معیار عشق‌ورزی و ابعاد گوناگون آن در مراحل مختلف زندگی زناشویی برای زنان و مردان به‌طور جداگانه در جدول ۳ آمده است. اینک با استفاده از تحلیل واریانس دوطرفه به بررسی فرضیات و سؤالات مورد پژوهش می‌پردازیم.

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار عشق‌ورزی و ابعاد آن در آزمودنیهای زن و مرد در مراحل مختلف زندگی زناشویی

متغیرهای وابسته	دوره‌های ازدواج	زن		مرد		جمع	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نمره کل در آزمون	نامزدی	۱۵۴	۱۴/۹۹	۱۶۲/۳	۸/۷	۱۵۸/۱۵	۱۸/۵
	عقد	۱۳۰	۲۰/۱۶	۱۳۳/۱۸	۲۲/۴۳	۱۳۱/۹	۲۱/۳۲
عشق‌ورزی	ازدواج	۱۳۰/۲۰	۱۵/۹	۱۳۳/۱۹	۱۶/۳۴	۱۳۱/۶۹	۱۸/۲۳
	فرزندپروری	۱۳۲	۱۸/۵۲	۱۴۰/۶۲	۲۲/۳۹	۱۳۶/۳۱	۲۱/۵۶
نمره صمیمیت در مراحل زندگی زناشویی	نامزدی	۵۷/۳۲	۶/۰۲	۴۵/۰۷	۴/۲۳	۵۱/۲۰	۵/۴۳
	عقد	۴۳/۹۲	۹/۹۷	۴۴/۳۷	۹/۹۴	۴۴/۱۵	۷/۹۴
	ازدواج	۴۲/۷	۹/۰۶	۴۶/۹۳	۷/۷	۴۴/۸	۸/۴۶
	فرزندپروری	۴۲/۷	۵/۰۱	۳۹/۵	۶/۷	۴۱/۱	۶/۲۵
شویدگی در مراحل زندگی زناشویی	نامزدی	۵۶/۴۷	۶/۸	۵۲/۵۳	۴/۵	۵۴/۵	۶/۱۱
	عقد	۴۰/۶۰	۱۰/۲۶	۴۳/۸۸	۰/۶۵	۴۲/۲	۸/۷
	ازدواج	۴۱/۸۲	۸/۴	۴۴/۹۳	۷/۶۸	۴۳/۳۷	۸/۱۸
	فرزندپروری	۴۱/۷۳	۱۰/۵	۴۴/۷۵	۷/۹	۴۳/۲۴	۹/۵
تعهد در مراحل زندگی زناشویی	نامزدی	۴۷/۴۲	۷/۹۳	۴۷/۴۳	۶/۱۱	۴۷/۴۲	۷/۰۵
	عقد	۴۵/۶۷	۸/۲۵	۴۳/۹۲	۸/۲	۴۴/۸	۹/۸
	ازدواج	۴۶/۶۵	۶/۹	۶۲/۷۱	۷/۷۴	۵۴/۶۸	۷/۴۵
	فرزندپروری	۴۶/۶۵	۸/۷	۵۱/۳۷	۸/۰۳	۴۹/۰۱	۸/۲۸

سؤال اول این پژوهش آن است که آیا میزان و نوع عشق‌ورزی در مراحل مختلف زندگی زناشویی متفاوت است. در جدول ۴ متغیر وابسته در دو جنس، گروه‌های مختلف زناشویی در مراحل مختلف زندگی و تعامل جنسیت و مراحل تحول آمده است. جدول ۴ نشان می‌دهد که بین میانگین عشق‌ورزی به‌طور کلی و ابعاد مختلف آن در چهار گروه زوج‌ها در مراحل مختلف تحول زندگی زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴- آزمون F به‌منظور مقایسه میانگین نمرات عشق‌ورزی و ابعاد آن در زن و مرد، مراحل تحول مختلف زناشویی و تعامل جنسیت و مراحل تحول

متغیرها وابسته	متغیرهای مستقل	MSb	MSw	درجه آزادی	فراوانی	معناداری
نمره کل	جنسیت	۹۹۷/۶۸	۳۰۱/۸۸	۱	۱/۵۶	۰/۰۷
	دوره تحولی	۴۳۶۶۹		۳	۷۲/۴۱	۰/۰۰۰۱
	تعامل دوره تحولی و جنسیت	۳۰۴۰/۵		۳	۵/۵	۰/۰۰۱
صمیمیت	جنسیت	۱۳/۴۷	۷۷/۴۶	۱	۰/۱۷۳	۰/۶۷
	دوره تحولی	۱۲۳۷/۸		۳	۱۵۹/۴	۰/۰۰۰۱
	تعامل دوره تحولی و جنسیت	۱۵۶/۶۳		۳	۷/۹۳	۰/۰۰۲
شوریدگی	جنسیت	۵۶۵/۴۳	۸۳/۳۲	۱	۶/۷۸	۰/۰۰۹
	دوره تحولی	۹۱۷۱/۵		۳	۱۱۰/۰۷	۰/۰۰۰۱
	تعامل دوره تحولی و جنسیت	۸۹۰/۵۶		۳	۱۰/۱۵	۰/۰۰۱
تعهد	جنسیت	۱۳۱/۷۲	۷۹/۶۴	۱	۱/۶۵	۰/۱۹۹
	دوره تحولی	۶۵۹/۵		۳	۸/۲۸	۰/۰۰۷
	تعامل دوره تحولی و جنسیت	۲۵۱/۷۵		۳	۳/۱۶	۰/۰۲

مقدار F برای نمره کل آزمون عشق‌ورزی ۷۲/۴، برای صمیمیت ۱۵۴/۴، برای شوریدگی ۱۱۰/۰۷ برای تعهد ۲۸/۸ است که همگی این مقادیر معنادار ($P < ۰/۰۰۱$) هستند. برای آنکه مشخص شود بین کدام مرحله تحول زندگی زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد آزمون توکی برای مقایسه به صورت دو به دو اجرا گردید. نتایج در جدول شماره ۵ آمده است.

همان‌گونه که در سطر اول جدول ۵ مشاهده می‌شود بین میزان عشق‌ورزی و ابعاد مختلف آن در دوره نامزدی و سایر دوره‌های دیگر تفاوت معناداری وجود دارد و فقط بین تعهد در دوره فرزندپروری و ازدواج تفاوت معناداری مشاهده نمی‌گردد. سطر دوم بیانگر آن است که میزان عشق‌ورزی به‌طور کلی در دوره عقد و ازدواج تفاوت معناداری ندارد در حالی که با دوره فرزندپروری تفاوت معناداری دارد. صمیمیت و تعهد در دوره عقد با دوره ازدواج و فرزندپروری تفاوت معنادار نشان می‌دهد، در حالی که از نظر شوریدگی تفاوت معناداری بین دوره عقد و دوره‌های پس از آن وجود ندارد.

سؤال دیگر آن است که آیا بین جنسیت با میزان عشق‌ورزی در چهار دوره مختلف زندگی زناشویی تعامل وجود دارد؟ یا به عبارت دیگر ابعاد عشق‌ورزی در مراحل مختلف زندگی زناشویی با توجه به زن و مرد بودن متفاوت است. نتایج موجود در جدول ۴ نشان می‌دهد، بین جنسیت و دوره تحول در میزان عشق‌ورزی و ابعاد مختلف آن تعامل وجود دارد. مقدار F برای تعامل جنسیت و مراحل تحول در نمره عشق‌ورزی ۵/۵، صمیمیت ۷/۹۳، شوریدگی ۱۰/۱۵ و تعهد ۳/۱۶ می‌باشد که برای سه مورد اول و برای تعهد $P < ۰/۰۵$ است. این تعامل در نمودارهای ۱ تا ۴ هر یک به‌طور جداگانه نشان داده شده است. براساس این نمودارها بین جنسیت و مراحل تحول در ابعاد مختلف عشق‌ورزی تعامل وجود دارد. علاوه بر آن این نمودارها بیانگر تفاوت در تحول عشق‌ورزی و ابعاد آن بین زن و مرد می‌باشد و از آنجایی که تعامل جنسیت و مراحل تحول در همه ابعاد عشق‌ورزی معنادار است می‌توان نتیجه گرفت که عشق‌ورزی و ابعاد مختلف آن با زن و مرد بودن در مراحل مختلف زندگی زناشویی تعامل معنادار دارد.

جای جدول لندسکپ

نمودار ۲- تعامل جنسیت و تحول در بعد صمیمیت نمودار ۱- تعامل جنسیت و مراحل تحول خانوادگی

نمودار ۴- تعامل جنسیت و مراحل تحول در بعد تعهد نمودار ۱- تعامل جنسیت و تحول در بعد شوریدگی

سؤال دیگر بررسی میزان همبستگی عشق‌ورزی و ابعاد آن در زنان و شوهران است. داده‌های مربوط به این هدف مطالعه در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶- ضرایب همبستگی نمرات عشق‌ورزی در ابعاد مختلف آن بین زنان و شوهران

		شوهران			
		صمیمیت	شوریدگی	تعهد	نمره کل
زنان	نمره کل	۰/۳۰**	۰/۲۳**	۰/۰۷	۰/۲۹**
	صمیمیت	۰/۳۶**	۰/۲۱**	۰/۱۱۵	۰/۳۰**
	شوریدگی	۰/۱۷**	۰/۲۰**	۰/۱۱	۰/۲۱**
	تعهد	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۸

مشاهده می‌کنیم که همبستگی نمره کل عشق‌ورزی در زنان و شوهرانشان ۰/۲۹ است که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است. بین صمیمیت مردان و صمیمیت زنان ۰/۳۶ ($P < ۰/۰۱$)، شوریدگی مردان ۰/۲۱ ($P < ۰/۰۰۱$) می‌باشد به علاوه صمیمیت در زنان با تعهد در مردان ۰/۲۲ ($P < ۰/۰۰۱$)، صمیمیت زنان و نمره کل عشق‌ورزی در مردان ۰/۳۰ همبستگی مشاهده می‌شود. شوریدگی زنان با میزان صمیمیت در مردان ۰/۱۷ ($P < ۰/۰۰۱$)، شوریدگی در زنان و شوریدگی مردان ۰/۲۰ ($P < ۰/۰۱۱$) و با تعهد در مردان ۰/۱۱ و نمره کل عشق‌ورزی ۰/۲۱ ($P < ۰/۰۰۱$) همبستگی وجود دارد بین تعهد زنان و سایر ابعاد عشق‌ورزی در مردان همبستگی معنادار وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش مشخص گردید که بین نمره کل عشق‌ورزی و ابعاد آن در مراحل مختلف تحول تفاوت معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر سیر کلی عشق‌ورزی در آغاز ازدواج بالاست، سپس کاهش می‌یابد و مجدداً در سالهای بعدی ازدواج کمی افزایش می‌یابد. سیر این تحول در زن و مرد متفاوت است. این یافته‌ها با یافته‌های جانسون و همکاران (۱۹۹۲)، اسکوم و بوکاش (۱۹۸۶) که می‌گویند شادمانی و رضایت زناشویی در آغاز ازدواج بالاست و در دوران تولد فرزندان و مدرسه کاهش و سپس دوباره افزایش می‌یابد، هماهنگ است. منحنی‌های تعامل جنسیت و عشق‌ورزی در مراحل مختلف تحول نشان می‌دهد یافته‌های این پژوهش با یافته‌های وایلانت و وایلانت که در پژوهش خود (۱۹۹۳، ۱۹۹۹) نشان دادند با منحنی زندگی زناشویی که به شکل U است، هماهنگ می‌باشد. همچنین میانگین نمرات عشق‌ورزی در زوجین که در مراحل مختلف تحول قرار دارند با یافته‌های علی‌نقیان و فرحبخش (۱۳۸۲) هماهنگ است. در نمودارهای ۱ تا ۴ مشاهده می‌کنیم که سیر تحول عشق‌ورزی در زنان و مردان با همدیگر متفاوت است. که این تفاوتها به شرح زیر است:

- ۱- مطابق منحنی ۱ مردان در مقایسه با زنان، زندگی زناشویی را با عشق شدیدتری شروع می‌کنند، اما زنان این عشق را در طول زندگی بیشتر حفظ می‌کنند.
- ۲- مطابق نمودار ۲ زنان زندگی زناشویی را با صمیمیت بیشتری شروع می‌کنند و در مرحله ازدواج که هنوز فرزندی ندارند در مقایسه با مردان صمیمیت کمتری ابراز می‌دارند و در دوره فرزندپروری آن را بیشتر افزایش می‌دهند. در حالی که میزان صمیمیت مردان تقریباً سیر نزولی دارد. این منحنی در زنان شکل U دارد، ولی در مردان به این شکل نیست.

۳- شوریدگی زنان در مرحله نامزدی بالاتر از مردان است، اما از دوره عقد به بعد در مقایسه با مردان سیر نزولی بیشتری دارد (نمودار ۳) شکل این منحنی در هیچ یک از زوجین به شکل U نیست. داده‌ها نشان می‌دهد که اگرچه سطح شوریدگی در آغاز ازدواج در مردان بیشتر از زنان است، اما سطح شوریدگی در مراحل بعدی ازدواج در زنان بالاتر از مردان است.

۴- زن و مرد عشق را با سطح یکسانی از تعهد شروع می‌کنند (نمودار ۴) و در زنان بعد از دوران ازدواج به شدت افزایش می‌یابد و در مردان پس از دوران عقد تقریباً ثابت می‌ماند. سطح تعهد زنان نسبت به همسر بعد از ازدواج و تولد فرزند در مقایسه با مردان به شدت افزایش می‌یابد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که عشق‌ورزی در زنان در مقایسه با مردان از ثبات بیشتری برخوردار است.

تبیین دلایل این تغییرات و تحولات پیچیده است و فقط در مقام فرضیه‌پردازی می‌توان گفت در جامعه ما حفظ زندگی زناشویی برای زنان مهمتر از مردان است و زن سعی دارد با مهارت تمام عشق ایجاد شده را در بعد تعهد، صمیمیت و شوریدگی بالا ببرد. به طور کلی از این یافته‌ها می‌توان این نتیجه احتمالی را گرفت که زنان عشق را بهتر با عقل می‌آمیزند و با احتیاط بیشتری انتخاب می‌کنند و در طول دوران زندگی در صد هستند که آن را حفظ کنند. مردان با عشق شدیدتر شروع می‌کنند، اما به دلیل وابستگی‌های خارج از خانواده از قبیل کار و شغل به مرور سطح آن را کاهش می‌دهند. بین عشق‌ورزی در زنان و مردان همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. یعنی هر قدر احساس عشق‌ورزی در زنان یا مردان افزایش یابد عشق‌ورزی در همسر او افزایش خواهد یافت. هر چند این همبستگی‌ها معنادار است، اما حداکثر ضریب همبستگی مشاهده شده در ابعاد عشق‌ورزی بین زنان و مردان در بعد صمیمیت است (جدول ۳). شاید بتوان به آسانی این همبستگی را براساس نظر مزلو (۱۹۸۷) و گلاسر (۲۰۰۰ و ۱۹۹۸) توجیه کرد. بنا به نظر آنها عشق‌ورزی و صمیمیت یک امر متقابل است. صمیمیت، محبت و دوستی رفتاری است که می‌تواند رفتار عطف‌ورزانه را در دیگران برانگیزد. اما با وجود این میزان این همبستگی‌ها در این متغیر و متغیرهای دیگر خیلی زیاد نیست، شاید علت این امر آن باشد که عشق‌ورزی یک امر صد درصد متقابل بین یک زوج نیست. چنانچه عشق‌ورزی یک امر کاملاً متقابل بود شدت ضرایب همبستگی قاعدتاً بیشتر از این می‌شد. از سوی دیگر می‌توان استدلال کرد که عشق‌ورزی در هر بعد آن از سوی یک

زوج موجب عشق‌ورزی از سوی همسر در همان بعد نمی‌شود، بلکه ممکن است موجب رشد در بعد دیگری از عشق‌ورزی گردد، مثلاً ابراز شوریدگی در مردان ممکن است موجب رشد احساس صمیمیت و تعهد در زنان شود یا ابراز صمیمیت و تعهد در زنان موجب احساس رشد تعهد در مردان شود. یافته‌های این پژوهش‌ها می‌تواند راهگشای مطالعات جدید درباره عشق باشد تا با طرح‌های آزمایشی، مداخلات درمانی مناسب را برای تقویت عشق‌ورزی در زندگی زناشویی و کاهش مشکلات آن تدوین کرد.

منابع

علینقیان، مرضیه و کیومرث فرحبخش. (۱۳۸۲)، «بررسی تفاوت میزان سازگاری زناشویی در سه گروه زوجین فاقد فرزند - دارای فرزند و فرزندان متأهل»، پایان‌نامه دوره کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی خمینی‌شهر.

مزلو، ابراهام. (۱۹۷۸)، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، (۱۳۷۵)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

ANDERSON, S.A., RUSSELL, C.S., and SCHUM, W.R. (1983). Perceived marital quality and family-life cycle categories: a further analysis. *Journal Marriag and family*, 45,127 – 139.

BELSKY, J. and ROVUN & ROVIN, M. (1990). Pattern of marital change across the transition to parenthood: parenting to three years pastpartum. *Journal of Marriag and the family*, 52,5 – 19.

BROWN, G.W., HARRIS, T. and COPELAND, J.R. (1997). Depression and loss: *British journal of psychiatry*, 30,1 – 18.

DWYER, DIANA. (2000). *Interpersonal relationship*, London, routledge.

ENGELA, GINA., OLSON, KENNETH, R., PATRICK, CAROL. (2002). The personality of love: fundamental motives and traits related to components of love; *Personality and Individual differences*, 32,839 – 853.

GLASSER, M.D., WILLIAM. (1998). *Choice theory, a new psychology of personal freedom*, ney work, harper collin publisher.

GLASSER, M.D., WILLIAM. (2000). *Counseling with choice theory the new reality therapy*, new york, harper collin publisher.

- HOROWITZ, M.J. (1979). State of mind: analysis of change in psychotherapy, New York; plenum publishing.
- HENDRICK, C., HENDRICK, S.S. & DICKE, A. (1998). The love attitudes scale: short form. *Journal of social and personal relationships*, 15,147 – 159 .
- JOHANSSON, D.R., AMOLOZA, T.O. and BOOT, A. (1992). Debility and development change in matital quality: a three wave panel analysis; *Journal of marriage the family*, 54,582 – 594 .
- KEPHART, W. (1967). Some correlates of romanticlove. *Journal of marriage and the family*, 29,470 – 479 .
- LYNCE. (1977). The broken heart. New York, basic book
- MOSS, BARRY, F. and SCHOWEBLE. (1993). Marriage and romantic relationships, defining intimacy in romantic relationship; *Family relating*; jun 41, P 31 – 37 .
- RICE, PHILIP. (1997). Intimate relationships, Marriage and families, london, mayfied publishing company.
- SCHMM, W.R. and BUGISHIS, M.A. (1986). Marital quality over the marital career: alternative explanation; *Journal of marital and the family*, 48,156 – 168 .
- SPRECHER, S. & METTS, S. (1989). Development of the "Romantic Beliefs Scale" and examination of the effects of gender and gender-rolld orientation. *Journal of social and personal relationships*, 6,387 – 411 .
- SPRECHER, S., ARON, A., HATFIELD, E., CORTESE, A., POTAPOVA, E. & LEVITSKAYA, A. (1994). Love: American style, Russian style, and Japanese style. *Personal Relationships*, 1,349 – 369 .
- SPRECHER, S., & REGAN, P. (1998). Passionate and companionate love in courting and young married couples. *Sociological Inquiry*, 68,163 – 185 .
- SPRECHER, S., CATE, R. & LEVIN, L. (1998). Parental divorce and young adult's beliefs about love. *Journal of Divorce & Remarriage*, 28,107 – 120 .

- SPRECHER, SUSAN, MAURATORO-MORA. (2002). A study of men and women from different sides of earth to determine if men are from Mars and women are from Venus in their beliefs about love and romantic relationships; *sex Roles*, New York: mar. vol 46, iss 5.6; pg 131, 17 pgs.
- STERNBERG, R.J., & BARNES, H.L. (1985). "Real and Ideal others in romantic relationships: is four a crowd?" *Journal of personality and social psychology*, 49:1586–1608.
- STERNBERG, R.J. (1986). Atriangular theory of love. *Psychological Review*, 93,119–135.
- STERNBERG, R.J. (1987). Liking versus loving: A comparative evaluation of theories. *Psychological Bulletin*, 102, 331–345.
- STERNBERG, R.J. (1997). Construct validation of triangular love scale. *European journal of social psychology*, 27,313–335.
- TRAUPMAN, J., EKELS, E. and HATFIELD, E. (1982). Intimacy in older women's lives. *The Gerontologist*, 22.
- WOROBAY, J. (2001). Association between temperament and love attitude in a college sample; *Personality and Individual differences*, 31, 461–469.
- VALIANT, CAROLINE, O. and VALIANT GEORGE, E. (1993). Is the u-curve of marital satisfaction and illusion? A 40-year study of marriage; *Journal of marriage and the family*, 55, 230–240.
- VALIANT, G.E. and VALIANT, C.O. (1990). Natural history of male psychological health. Xii; a forty five year study of predictor of successful aging at age 65. *American Journal of psychiatry*, 147, 31–37.
- YOUNG, MARK, E. & LONG, LYNN, L. (1998). Counselin and therapy of couples; NewYork, Brooks / Cool publisher company.

تاریخ وصول: ۸۴/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۰/۹